****

[اثر چهارم: وجوب افتاء بر مجتهد 1](#_Toc496166821)

[صور مساله و احکام ان 1](#_Toc496166822)

[صورت اول: عدم وضوح مساله برای خود مجتهد 2](#_Toc496166823)

[صورت دوم:وضوح مساله در فرض وجود مفسده در بیان فتوا 2](#_Toc496166824)

[صورت سوم: وضوح مساله و عدم مفسده در فرض سوال از مجتهد 2](#_Toc496166825)

[صورت چهارم: وضوح مساله و عدم مفسده در فرض عدم سوال از مجتهد 3](#_Toc496166826)

[معلق بودن وجوب انذار به رجوع 3](#_Toc496166827)

[خلاف متفاهم عرفی بودن مشروط بودن وجوب انذار 3](#_Toc496166828)

[نظر نهایی استاد و وجوب افتاء فی الجمله 3](#_Toc496166829)

[اطلاق وجوب افتاء از باب ارشاد جاهل 4](#_Toc496166830)

[مبادی اجتهاد 4](#_Toc496166831)

[معرفت علوم عربیه به مقدار نیاز 4](#_Toc496166832)

**موضوع**: وجوب افتاء بر مجتهد /اثار اجتهاد /اجتهاد و تقلید

استاد در جلسه قبل در مورد سه اثر از اثار اجتهاد متجزی بحث فرمود. اما اثر اول که عبارت بود از جواز عمل مجتهد متجزی به اجتهادش بود قائل به جواز شدند و در مورد اثر دوم که جواز رجوع غیر به مجتهد متجزی بود پذیرفت که از لحاظ ادله لفظی و عقلایی چنین رجوعی صحیح است و اما نسبت به اثر سوم که جواز و نفوذ قضاء بود نیز پذیرفت که قضاوتش نافذ و مورد پذیرش متخاصمین است و در این جلسه به بررسی اثر چهارمی از اجتهاد متجزی میپردازند.

## اثر چهارم: وجوب افتاء بر مجتهد

بحث در مورد اثار اجتهاد بود چند اثر از اثار ان بحث شد در این جلسه به اخرین اثر از اثار ان میرسیم یعنی وجوب افتاء بر مجتهد است. ایا بر مجتهد واجب است که نظرش را مسائل ابراز کند یا واجب نیست؟

### صور مساله و احکام ان

استاد میفرماید در این بحث چند صورت وجود دارد:

### صورت اول: عدم وضوح مساله برای خود مجتهد

مجتهد در مساله به مشکل برخورد کرده است و در ذهنش دغدغه در مورد حکم ان وجود دارد مثلا نمیتواند در ان مساله از مشهور اعراض کند و یا در مساله روایات متعارض وجود دارد و در نهایت به نتیجه ی واضح و روشن نمیرسد در این صورت نسبت به فتوا دادن در مورد حکم شرعی ان که حرام است زیرا حجتی بر ان حکم ندارد و یا لااقل واجب نیست و اما نسبت به وظیفه عقلیه نیز نیازی به ابراز فتوا ندارد بلکه وظیفه را به خود مکلف واگذار میکند حال اگر خود مکلف توانست وظیفه خودش را معین بکند فهو والا به کسی رجوع میکند تا وظیفه او را مشخص کند. بنا بر این در این صورت فتوا دادن بر مجتهد واجب نیست.

### صورت دوم:وضوح مساله در فرض وجود مفسده در بیان فتوا

مجتهد به نتیجه واضحی در مساله میرسد و اشکالی در ان مساله ندارد و فرض میشود که در ابراز فتوا مفسده وجود دارد در اینجا ابراز فتوا نه تنها واجب نیست بلکه چه بسا در بعضی از مواقع حرام هم باشد زیرا مفسده ان به حدی زیاد برسد که ابراز ان حرام باشد. اینکه در بعضی از روایات هم امده است که بر شما سوال کردن واجب است ولی جواب دادن بر ما ((اهل بیت)) واجب نیست، تایید همین عدم وجوب است زیرا در پاره ای از موارد به خاطر تقیه یا موارد دیگر جواب دادن ملازم با مفسده بوده است فلذا واجب نیست

### صورت سوم: وضوح مساله و عدم مفسده در فرض سوال از مجتهد

مجتهد مساله برایش روشن است و از طرفی مفسده ای مترتب بر ابراز ان نیست و فرض این است که مبتلا به شده است و از مجتهد سوال میشود حال مجتهد میتواند بگویید که مساله را میدانم ولی جواب نمیدهم؟ در اینجا نیز بر مجتهد واجب نیست که در مساله ابراز فتوا کند و وجهی برای وجوب نیست. اگر مجتهد فتوا نداد مکلف باید به احتیاط عمل کند چون اولا علم اجمالی به تکلیف دارد و ثانیا قبل از فحص هم هست. البته فرض این است که مکلف فقط از طریق این مجتهد عالم میشود.

اینکه به ایات سوال در قران کریم استدلال شود و گفته شود که ایه میفرماید باید سوال کنید فلذا باید جواب نیز داده شود، صحیح نیست زیرا نهایت مطلبی که از ان ایات استفاده میشود، وجود حجت در صورت جواب دادن است نه اینکه جواب دادن هم واجب باشد. بنا بر این مجرد سوال از افتوا، فتوا دادن را واجب نمیکند.

### صورت چهارم: وضوح مساله و عدم مفسده در فرض عدم سوال از مجتهد

مساله برای مجتهد روشن است و اشکالی ندارد و از طرفی ابراز ان هم مفسده ندارد و از مجتهد هم سوال نشده است بلکه ابتداء واجب است که فتوا دهد رساله نوشتن واجب است یا خیر؟

در این صورت بعضی قائل به وجوب شده اند و دلیل انها هم ایه تفقه[[1]](#footnote-1) در دین است که ایه میفرماید واجب است انذار، و از طرفی انذار هم با بیان فتوا است پس افتا واجب است. یعنی اگر کسی مدتی از عمرش در حوزه درس بخواند و بعد در میان قوم خود بگویید که احتیاط بکنید و فتوا ندهد خلاف متفاهم عرفی است زیرا اهنگ کلام شارع در ایه این است که بروید یاد بگیرید و ان را اموزش بدهید نه اینکه انها احتیاط کنند. و لو اینکه انذار با احتیاط هم محقق میشود ولی خلاف متفاهم عرفی است.

### معلق بودن وجوب انذار به رجوع

لا یقال:در ایه تفقه در دین وجوب انذار را معلق بر رجوع به قوم کرده است و یا لا اقل در صورت سوال از انها شده است نه اینکه در هر حالی و مطلقا افتاء واجب باشد. بنا بر این اگر کسی رجوع نکرد و یا از مجتهدی سوال نشد افتاء بر او واجب نیست.

### خلاف متفاهم عرفی بودن مشروط بودن وجوب انذار

اینکه شارع فرموده باشد که بروید تفقه کنید و تشویق به ان کرده است و بعد به بیان ان امر فرموده است با وجوب افتاء مطلقا سازگاری دارد نه با قید رجوع و سوال از مجتهد. اینطور نیست که شارع امر بفرماید بروید یاد بگیرد ولی اگر رجوع نکردید بر شما بیان واجب نیست. این مطلب غلاف متفاهم عرفی است.

### نظر نهایی استاد و وجوب افتاء فی الجمله

وجوب افتاء از ایه تفقه استفاده میشود ولی با این شرط که در معظم احکام باشد. بنا بر این اگر مجتهدی در معظم احکام فتوا داد ولی در پاره ای از مسائل فتوا نداد و گفت مساله را میدانم ولی نمیگوم اشکالی ندارد. پس افتاء واجب است ولی فی الجمله نه بالجمله.

### اطلاق وجوب افتاء از باب ارشاد جاهل

لا یقال: در همه ی موارد باید مجتهد فتوا بدهد زیرا ارشاد جاهل واجب است و افتاء هم از باب ارشاد جاهل واجب است.

فانه یقال: مدرک و دلیل ارشاد جاهل اجماع و ایه تفقه است در ایه تفقه گذشت که در مورد معظم احکام است نه همه ی احکام باشد و اجماع هم کذالک. البته در اینکه افتاء واجب است فی الجمله فرقی نیست بین اینکه در احکام ترخیصی باشد و یا الزامی. اینگونه نیست که در ترخیصیات افتاء در همه ی انها واجب باشد چون که خداوند دوست دارد که به مستحبات عمل شود و مکروهات ترک شود. زیرا دوست داشتن خداوند دلیل بر وجوب افتا نیست نهایت چیزی که ثابت میشود این است که خوب است که افتاء شود

خلاصه

بر مجتهد واجب است به صورت کفایی که در معظم احکام افتاء داشته باشد.

موید: اگر در معظم احکام افتاء نداشته باشد اندارس دین بوجود میاید و از بین میرود

## مبادی اجتهاد

### معرفت علوم عربیه به مقدار نیاز

جناب اخوند میفرماید[[2]](#footnote-2)اجتهاد مبتنی بر یک سری مقدمات است که ازجمله انها علم به علوم عربیه است. زیرا منابع استنباط حکم شرعی عربی هستند قران روایات و اقوال علما و برای فهم انها نیاز به معرفت داشتن از روی اجتهاد به علوم عربی و همچنین دانستن علم لغت لازم است البته باید دقت شود که دانستن نکات ظریف نحوی و صرفی و دقایق انها برای اجتهاد لازم نیست و ای چه بسا در بعضی از مواقع موجب ضرر شود و از طرفی برای اجتهاد در انها نیاز به اقوال علمای ان فن نیاز هست ولی نباید در نظر دادن بند به اقوال انها شود بلکه از انها استفاده میکند ولی استظهار از دلیلی را باید با اجتهاد به ثبوت برساند.

ادامه بحث درجلسه اینده

1. سوره توبه 122 [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص464.](http://lib.eshia.ir/27004//464/) [↑](#footnote-ref-2)